



محصور و مصدود

محصور و مصدود ۵۱۱

[۱۳۷۰] م - مصدود عبارت است از کسی که دشمن او را منع کند از عمره یا حج به تفصیلی که می آید و محصور آن است که به واسطه مرض ممنوع شود از عمره یا حج.

[۱۳۷۱] م - کسی که محرم شد به احرام عمره یا احرام حج، واجب است عمره و حج را تمام کند و اگر نکند به احرام باقی خواهد ماند.

[۱۳۷۲] م - اگر کسی احرام عمره را بست و بعد از آن دشمنی یا کسی دیگر از قبیل عمال دولت یا غیر آنها، او را منع کنند از رفتن مکه و راه دیگری نباشد جز آن راهی که ممنوع است یا اگر باشد مؤونه آن را نداشته باشد می تواند در همان محل که ممنوع شده یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی کند و از احرام خارج شود و احتیاط واجب آن است که به نیت تحلیل قربانی کند و به احتیاط واجب قدری از مو یا ناخن خود را بگیرد و در این صورت بر او همه چیز حلال می شود حتی زن.

[۱۳۷۳] م - اگر کسی به احرام عمره وارد مکه شد و دشمن یا کسی دیگر او را از به جا آوردن اعمال عمره منع کرد، همان حکم مسأله پیش را دارد، بلکه بعید نیست که اگر از طواف یا سعی نیز منع کند، همین حکم را داشته باشد.

[۱۳۷۴] م - کسی را که به واسطه بدهکاری، که ندارد بدهد، حبس کنند یا به ظلم حبس کنند حکم سابق را دارد. [۱۳۷۵] م - اگر بعد از احرام برای رفتن به مکه یا اجازه به جا آوردن اعمال، پولی مطالبه کنند، پس اگر داشته باشد باید بدهد، مگر آن که حرجی باشد و اگر نداشته باشد یا حرجی باشد ظاهراً حکم مصدود را داشته باشد.

[۱۳۷۶] م - اگر از یک طریق مصدود شد و راه دیگری هست که باز است و مخارج رفتن از آن راه را دارد باید به احرام باقی بماند و از آن راه برود و اگر از آن راه رفت و حج او فوت شد، باید عمره مفرده به جا آورد و از احرام خارج شود.

[۱۳۷۷] م - اگر شخص مصدود خوف آن داشته باشد که اگر از راه دیگر برود به حج نمی رسد، نمی تواند عمل شخص مصدود را بکند و مُحَلّ شود، بلکه باید به راه ادامه دهد و صبر کند تا فوت محقق شود و با عمره مفرده متحلل شود.

[۱۳۷۸] م - تحقق پیدا می کند مصدود بودن در حج به اینکه به هیچ یک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفه و مشعر نرسد، بلکه تحقق پیدا می کند اگر نرسد به چیزی که به فوت آن، حج فوت می شود هرچند از روی علم و عمد نباشد و صور آن [در] سابق ذکر شد، بلکه ظاهراً تحقق پیدا کند به اینکه بعد از وقوفین منع کنند او را از منی و مکه و نتواند نایب بگیرد، بلکه اگر منع کنند از اعمال منی یا اعمال مکه، با عدم امکان نایب، بلی در صورتی که تمام اعمال را به جا آورد و منع نمودند از برگشتن به منی برای بیتوته و اعمال ایام تشریق، مصدود بودن تحقق پیدا نمی کند و حج او صحیح است و باید نایب بگیرد برای اعمال در این سال و اگر نشد سال دیگر.

[۱۳۷۹] م - کسی که مصدود شد از آمدن به مکه یا از اتمام اعمال یا از به جا آوردن اعمالی که به ترك آنها، حتی به غیر عمد، حج باطل می شود و به دستوری که گفته شد از احرام خارج شد، اگر حج بر او مستقر شده بوده یا آن که در سال دیگر مستطیع است و حج واجب را به جا نیاورده، باید بعد از رفع منع، دوباره به حج برود و اعمالی که نموده کافی از حجة الاسلام نیست.

[۱۳۸۰] م - کسی که مصدود است اگر امید برطرف شدن مانع را داشته باشد بلکه گمان آن را هم داشته باشد می

تواند به دستوری که گفته شد از احرام خارج شود.

[۱۳۸۱] م - کسی که احرام عمره بست و به واسطه مرض نتوانست برود به مکه، اگر بخواهد محلّ شود باید هدی کند و به احتیاط واجب هدی یا پول آن را بفرستد به وسیله امینی به مکه و با او قرارداد کند که در چه روز و چه ساعتی آن را در مکه ذبح کند و وقتی که روز و ساعت موعود رسید تقصیر کند. پس از آن، هرچه بر او حرام شده بود حلال می شود مگر زن، و احتیاط آن است که در ذبح، قصد تحلیل منوب عنه کند.

[۱۳۸۲] م - کسی که احرام حج بست و به واسطه مرض نتوانست برود برای عرفات و مشعر، باید هدی کند و به احتیاط واجب هدی یا پول آن را باید بفرستد به مینی که در آن جا ذبح کنند و مواعده کنند که روز عید ذبح شود و در آن وقت تقصیر کند، پس هرچه بر او حرام شده بود حلال می شود مگر زن.

[۱۳۸۳] م - کسی که حج واجب به عهده او است و به واسطه مرض محصور شد، زن بر او حلال نمی شود مگر آن که خودش بیاید و اعمال حج را به جا بیاورد و طواف نساء بکند، ولی اگر عاجز شد از آمدن، بعید نیست کفایت عمل نایب برای تحلیل زن بر او. و اما کسی که حج او استحبابی بوده، بعید نیست کفایت طواف نایب از او، ولیکن احتیاط آن است که در صورت امکان خودش برود.

[۱۳۸۴] م - اگر کسی که با او قرار داده بود ذبح کند، [ذبح] نکرده بود و شخص مُحرم در روز موعود محلّ شد و با زن هم نزدیکی کرد، معصیت نکرده و کفاره هم ندارد، لیکن باید باز هدی یا پول را بفرستد و مواعده کند و باید از زن اجتناب کند و احتیاط واجب آن است که از وقتی که معلوم شد عمل نشده، اجتناب کند گرچه محتمل است که وجوب اجتناب از وقتی باشد که شخص را می فرستد برای ذبح.

[۱۳۸۵] م - تحقق محصور بودن، مثل تحقق مصدود بودن است که گذشت.

[۱۳۸۶] م - اگر مریض بعد از آن که هدی یا پولش را فرستاد حالش خوب شد به طوری که توانایی رفتن به مکه را داشت، باید برود. پس اگر مُحرم به احرام تمتع است و به وقت رسید، اعمال عمره و حج را به جا می آورد و اگر وقت تنگ شد به طوری که اگر بخواهد عمره به جا بیاورد و قوف به عرفات فوت می شود، باید برود به عرفات و حج افراد به جا بیاورد و احتیاط آن است که قصد عدول کند و بعد از آن عمره مفرده بکند و کافی است از حَجَّة الاسلام. و اگر وقتی رسید به مکه که حج فوت شده؛ یعنی به وقت اختیاری مشعر نمی رسد، عمره او مبدل می شود به عمره مفرده و باید آن را به جا آورد و از احرام خارج شود و احتیاط آن است که قصد عدول به عمره مفرده کند و حج واجب را با وجود شرایط در سال دیگر به جا آورد.

[۱۳۸۷] م - مصدود به دشمن، در حکمی که برای مریض در مسأله پیش ذکر شده، مانند او است.

[۱۳۸۸] م - کسانی که مریض نیستند لیکن به علت دیگر، بعد از احرام نتوانستند به مکه بروند؛ مثل کسی که پایش یا کمرش شکسته یا به واسطه خونریزی ضعف بر او مستولی شده، بعید نیست حکم مریض را داشته باشند، لیکن مسأله مشکل است. بنا بر این، احتیاط آن است که به احرام باقی بمانند تا وقتی که خوب شوند. پس اگر حج فوت شده، عمره مفرده به جا بیاورند و از احرام خارج شوند و حج اگر واجب بوده با وجود شرایط اعاده کنند.

[۱۳۸۹] م - زمانی که باید مریض مواعده کند برای ذبح در احرام حج، روز دهم است به احتیاط واجب و باید قرار تأخیر تا ایام تشریق ندهد و در احرام عمره تمتع احتیاط آن است قبل از خروج حاج به عرفات باشد.

۵۱۱. احکام محصور و مصدود را متعرض نشده اند.